

کسانی دوست دارند من و شما و بسیاری از هنرمندان شبیه آن چیزی باشیم که آنها دوست دارند. اگر ما بپذیریم و آنطور شویم که آنها دوست دارند گناهان نابخشودنی است

کیانوش عیاری:



کیانوش عیاری، رُک و صریح حرف می‌زند. از قضاوت‌ها و سوءبرداشت‌ها واهمه‌ای ندارد، عافیت‌طلبی در مرامش نیست و وضعیت نامشخص «خانه‌پدری» اش سبب نمی‌شود تا سکوت یا مماشات کند. مواضعش شفاف است و بر حفظ لحن انتقادی‌اش پافشاری دارد. به بهانه سی‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر، ارزیابی او را درباره این رویداد هنری جویا شده‌ایم و درباره وضعیت تولید «کاناپه» اش نیز پرسیده‌ایم.

روند جشنواره فیلم فجر را در تاریخ سی‌وچندساله‌اش چطور ارزیابی می‌کنید؟
فکر می‌کنم جشنواره فیلم فجر طی عمر سی‌وچهارساله خودش بی‌میل نبوده که بتواند سمت‌وسویی به سینمای گاهی اوقات بلاتکلیف ایران بدهد. حتماً گاهی هم این اتفاق افتاده و سینما، از جشنواره سمت‌وسو گرفته. شاهد بوده‌ایم که میل جشنواره به سمت‌وسودادن سینما، در مقاطعی سبب شده که سینمای ایران به سمت عرفان‌زدگی برود، گاهی هم سونامی معانی گریبان سینمای ایران را گرفته، در مواقعی هم اقتضای بازگشت سرمایه آفت سینما بوده. در مواردی هم هیچ‌یک از اینها رخ نداده و ما دیده‌ایم که سینمای ایران یک مقدار آزادانه مسیرش را پی گرفته. اما سینما به اقتضای متغیرهای اجتماعی، در مقاطعی ناچار بوده که در تلاطم اقتصادی به فکر بازگشت سرمایه هم باشد و در این مقاطع طرفداران سینمای بدنه خوشحال شده‌اند از اینکه در این بحران، سینما، ناچار است مسیر بازگشت سرمایه را به‌عنوان اصل مهم در نظر داشته باشد. در این مواقع که اغلب اوقات را شامل می‌شود، سینمای بدنه حرف اصلی را زده و سمت‌وسو را تعیین کرده است.

پس تمایل جشنواره در مواقعی میدان‌دادن به سینمای بدنه بوده؟
بله، عمدتاً تمایل به این بوده که در این گیرودار، بدنه سینما حرف اصلی را بزند. فی‌نفسه این درست است که به بازگشت سرمایه فیلم فکر شود، چون یک فیلم، باید بتواند سرمایه خودش را برگرداند تا امکانی برای ادامه فیلم‌سازی وجود داشته باشد. منتها نباید به صرف بازگشت سرمایه که امر مشروعی هم هست، تمایل مدیران جشنواره محورشدن سینمای بدنه باشد. عده‌ای هم در این شرایط رشد کردند که تکلیفشان معلوم است و فیلم‌های خوبی به سینمای بدنه تحویل می‌دادند. به‌هرحال این مرزبندی‌ها در سینمای ما وجود دارند و نمی‌توان منکرشان شد. ای‌کاش می‌شد سینما را به سینمای هنری و بدنه تفکیک نکرد و تنها مرز موجود در سینما، فیلم خوب و بد بود.

پس به‌زعم شما جشنواره فجر آیشخور اصلی پاگرفتن سینمای بدنه و دیگر موارد مورد اشاره‌تان بوده؟
فجر در خیلی از موارد مایل بوده که به سینما چنین سمت‌وسوهایی بدهد. هنوز دوران عرفان‌زدگی در سینما را فراموش نکرده‌ام. دورانی که اگر جشنواره فجر هم تعیین‌کننده اصلی‌اش نبود، به‌هرحال همیشه نیروهای مستقلی فراتر از این خطوط و سینما را به این سمت سوق دادند. فارغ از این مرزبندی‌ها، در نهایت وجه مثبت جشنواره فجر را هم طی این سی‌وچهارسال نباید نادیده گرفت. همین وجه رقابتی جشنواره، که البته من با نفس آن در عرصه کار هنری مخالف هستم، برخی از بالندگی‌های کیفی را در سینمای ایران رقم زده.

در جشنواره امسال شاهد غیبت معنادار بزرگان هستیم؛ از آقای فرمان‌آرا، کیمیایی و مهرجویی گرفته تا رخشان بنی‌اعتماد، اصغر فرهادی و خود شما. شما جزء سینماگرانی بودید که امسال داوری فجر را قبول نکردید. البته پیش از این گفته‌اید که گرفتار ساخت فیلم جدیدتان هستید و در این ایام روی فیلم‌نامه آن کار می‌کنید و تنها دلیل نپذیرفتن داوری همین است. اما

به طور کلی غیبت بزرگان سینما در جشنواره سی و چهارم معنادار نیست؟ این غیبت‌ها قبلاً سابقه داشته به دلایل گوناگون. بعضی‌ها ممکن است که در دوره‌ای از جشنواره، حضور در آن برایشان کامیابی‌ای رقم نزنند و به همین دلیل غایب باشند. در بعضی موارد ممکن است گله‌های شخصی برخی بزرگان از شرایط موجود باعث غیبتشان باشد. اما من شخصا به وضوح گفتم که فقط و فقط درگیر پیش تولید فیلمم هستم، پس باید یا داوری جشنواره را انتخاب می‌کردم یا ساخت فیلمم را، که من ساخت فیلمم را انتخاب کردم. دوسال پیش داور جشنواره بودم و مفتخرم که داوری را پذیرفتم. حداقل فایده داوری برای من فیلم‌ساز این است که بالاچار بخش زیادی از تولیدات سال سینمای ایران را در جشنواره می‌بینم و این فیلم‌دیدن برای یک فیلم‌ساز، بسیار موثر است، درحالی‌که در اکران‌های عمومی شاید نتوانم بسیاری از فیلم‌های مطرح را ببینم اما داوری برایم این امکان را فراهم می‌کند که در جریان تولیدات یک سال سینما قرار بگیرم و چهره فعلی سینما را تماشا کنم. تماشای چهره سینما، جزء ملزومات فیلم‌سازی است. پس من ایدا با نپذیرفتن داوری جشنواره، ناچه‌بالا نگذاشته‌ام.

درباره اتفاقاتی که برای فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی» در جشنواره امسال رقم خورد و استعفای شهاب حسینی از سمت مشاور دبیر کنونی (محمد حیدری) را در پی داشت، نظر شما چیست؟ برخورد شهاب حسینی، برخوردی کاملاً متمدنانه بود. انسان متمدن، در اعتراض به یک اتفاقی خودش را کنار می‌کشد. آقای حسینی هم در حد انتظارات خودش عمل کردند و رفتارشان برای من قابل احترام است.

به لحاظ کیفی نظرتان درباره جشنواره امسال چیست؟ از هیچ چیز خبری ندارم، اما حتماً بخش مربوط به فیلم‌اولی‌ها باید آنچنان خوب باشد که فیلم خوبی مثل «آبجی» ساخته مرجان اشرفی‌زاده پذیرفته نشده!! اگر این اظهارنظرم ساده‌لوحانه تلقی نشود، عدم انتخاب این فیلم از نظر من به این معناست که تعدادی فیلم برتر از این فیلم در جشنواره هستند که من به احترام این کیفیت، بی‌آنکه فیلمی از این فیلم‌ها را دیده باشم سر تعظیم فرود می‌آورم!

به اتفاقی که در نشست فیلم «یحیی سکوت نکرد» در کاشان برای خانم معتمدآریا رخ داد چه واکنشی دارید؟ آیا می‌توان گفت اگر در شهر شیراز تعداد جرائم جنحه زیاد اتفاق می‌افتد و این آمار از دیگر شهرها بالاتر است، شهر موسوم به گل‌وبلیل شیراز از این به بعد جرم‌خیز توصیف می‌شود؟ پس به این ترتیب آیا همه باید با تلخی راجع به کاشان صحبت کنیم؟ کسانی دوست دارند آن‌گونه فکر و عمل کنند. دوست دارند من و شما و بسیاری از هنرمندان شبیه آن چیزی باشیم که آنها دوست دارند. اگر ما بپذیریم و آن‌طور شویم که آنها دوست دارند گناهان ناخوشودنی است. اما آنها می‌توانند حرف خودشان را بزنند و می‌بینیم که عملاً جریان فرهنگی کشور- گرچه سنگ جلو پایش انداخته می‌شود- دوست دارد طور دیگری عمل کند و با وجود این تنگناها، فرهنگ و سینمای ایران همچنان نفس می‌کشد، هنوز فیلم‌های بسیار خوب ساخته می‌شود و این باعث خوشحالی است. همان‌طور که با یک گل بهار نمی‌آید، با یک خار هم، کاشان خارستان نمی‌شود.

سرنوشت «خانه پدری» را چطور پیش‌بینی می‌کنید؟ مثل همیشه امید به آینده دارم. آینده‌ای که ممکن است خیلی هم نامعلوم و دور از ذهن باشد. امیدوارم در اوضاع سینما به تبع اوضاع کشور، چنان گشایشی حاصل شود که تنگناهایی که «خانه پدری» و «آشغال‌های دوست‌داشتنی» و دیگر فیلم‌های درمحاق گریبانگیر آند، از بین برود. آخرین چیزی که مسئولان درباره فیلم گفته‌اند چه بوده؟ صریحاً گفته‌اند فیلم توقیف است.

و مشخصاً نخواسته‌اند برای رفع توقیف فیلم کاری کنید؟ مثلاً آن سکانس حساسیت‌برانگیز را حذف کنید؟ گفته‌اند اما پاش را نگرفته‌اند، چون می‌دانند با حذف آن صحنه هم مشکلشان با فیلم حل نمی‌شود. شک ندارم اگر قرار بود با حذف آن سکانس مسئله فیلم حل شود، مسئولان بر این اتفاق پافشاری می‌کردند. عده‌ای هستند که دوست ندارند من آن صحنه را در بیاورم، برای همین اصراری هم بابتش نمی‌کنند، چون بعد به نظرشان بخش زیادی از فیلم را هم باید در بیاورم! دو، سه سالی است که بیشتر می‌شنویم که تولیدات سینمای ایران تلخ و تیره‌اند. چرا این تلقی ایجاد شده؟ تلخی فضای فیلم‌ها، لزوماً به معنای بن‌بست برای زندگی و حیات ما نیست. طبیعتاً در یک دوران حزن، ما چه چیز را قرار است تصویر کنیم، سینمای ما با اینکه از پشتوانه رسانه‌ای قدرتمند برخوردار است ولی با ادعای راست‌گویی و حقیقت‌جویی در همه این سال‌ها ادامه حیات داشته و آیا ما سینماگران باید حالا به خاطر خوش‌آمد عده‌ای دروغ بگویم؟ گمان نمی‌کنم تولیدات سینمای ایران آن قدر که گفته می‌شود تلخ باشند؛ فیلم‌ها بیشتر واقع‌بینانه‌اند تا تلخ. البته عده‌ای هم هستند که نمایش تلخی در فیلم‌هایشان را فضیلت می‌دانند که مخاطب این حرف‌هایم آن عده نیستند. به جز آنها، سایر فیلم‌ها بازتاب واقعیت‌های موجود در جامعه‌اند.

بعد از مراجعه سه هزار و ۲۰۰ نفر برای تست بازیگری «کاناپه»، نهایتاً شما توانستید سه خواهر فیلم را که قرار است شباهت‌هایی هم با هم داشته باشند انتخاب کنید؟

هنوز وارد این وادی نشده‌ام و چند هزار دقیقه فیلمی که گرفته شده را ندیده‌ام و همچنان درگیر فیلم‌نامه‌ام. دیگر بازیگران فیلم انتخاب شده‌اند؟

فعلاً ابوالفضل پورعرب و جهانگیر الماسی، انتخاب‌های من برای بازی در این فیلم هستند. البته اگر از سوی خودشان مشکل خاصی وجود نداشته نباشد!

منبع/ روزنامه شرق/ عسل عباسیان